

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن  
۲۷ جولای ۲۰۱۶

## خیاط نیز اینبار در کوزه افتاد!!



دومین جلسه رسیدگی به پرونده شرکت کنندگان در حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران برگزار شد و طی این جلسه متهمان از قاضی خواستند "در اتاق‌های بازجویی دوربین بگذارند تا بفهمند آنجا چه اتفاقاتی می‌افتد. این که بازجو دیکته می‌کند و متهم تحت فشار می‌نویسد." از دیگر نکات این دادگاه اعتراض متهمان به نگهداری در سلول هانی است که معترضان سال ۸۸ محبوس بودند که آن را مصداق "شکنجه روانی" می‌دانستند. متهمانی که از حصار در جلسه می‌پرسیدند: "چرا با ما همان رفتاری شد که با محاربین فتنه ۸۸ صورت گرفت؟"

\*\*\*\*\*

گفته اند که در زمان‌های دور خیاطی بر سر راه گورستان شهر مغازه ای داشت و برای سرگرمی هر بار که مرده ای را از جلوی مغازه اش می‌بردند سنگی در کوزه می‌انداخت تا حساب و کتاب تعداد مردگان را داشته باشد و پاسخی برای پرسش‌گران و رهگذران جویای اخبار مهیا کند. روزی دیدند که مغازه اش بسته است و علت را پرسیدند. گفته شد که خیاط هم در کوزه افتاد.

داستان حمله کنندگان به سفارت عربستان در تهران و مشهد نیز چنین شده است. از دیرباز لباس شخصی‌های تحت امر رهبری و اطلاعات سپاه و سایر نهادهای مافیائی - حکومتی رژیم به عنوان بازوی موازی ارگانهای سرکوب قانونی رژیم حرف اول سرکوب را در صحنه خیابان‌ها زده اند. جنایت‌های این طیف در طی سی و چند سال اخیر کم نظیر است و به وفور در این ارتباط افشاگری شده است.

کوتاه سخن پیش از سرنگونی خاندان پهلوی با شعار ارتجاعی حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله آغاز کردند و به سرکوب و به هم ریختن تجمعات تشکل های مترقی همت گماشتند. هنوز نسیم آزادی و تنفس هوای تازه عاری از سانسور به پرواز در نیامده بود که به ضرب و شتم وحشیانه کتابفروشان، دانشگاهیان و جوانان تشنه آزادی پرداختند. یکی از وحشی ترین عناصر لباس شخصی فردی بود با لباس کردی (جاش) که همیشه چوبی تراشیده شبیه باتوم همراهش بود و همواره آغشته به خون جوانان و دانشجویانی بود که به کتابفروشی و یا فروش روزنامه و اعلامیه در اطراف دانشگاه تهران اقدام کرده بودند. زنجیر و پنجه بکس از اقلام دیگری بودند که او همیشه همراه داشت. در گروه های ده تا بیست نفره دیده می شد و همه تیم جنایت مسلح به سلاح گرم و سرد پشت سر و تحت فرمان وی بودند. ریشو و لاغر اندام بود و صورتی استخوانی داشت. شباهتی به تصاویر شعبان بی مخ پهلوی چپان نداشت اما درنده خو، وحشی و بی رحم بود.

با این توصیفات احتمالاً مراتب ترقی در نظام ولایتی را تا کنون طی کرده است و شاگردان لباس شخصی پوشش این روزها توسط قضات رژیم محاکمه می شوند. امروزه ملزومات سیاسی و بین المللی حکم کرده است تا تعدادی از مجریان حمله و آتش زدن سفارت عربستان محاکمه و مجازات شوند. تعدادی از آنها دستگیر شده اند، بازجویی شده اند و در اوج ناباوری شان برای خواباندن غانله ارتباطی رژیم با کشورهای عربی منطقه محتملاً مجازات خواهند شد. دومین جلسه رسیدگی به پرونده شرکت کنندگان در حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران برگزار شد و طی این جلسه متهمان از قاضی خواستند "در اتاق های بازجویی دوربین بگذارند تا بفهمند آنجا چه اتفاقاتی می افتد. اینکه بازجو دیکته می کند و متهم تحت فشار می نویسد." از دیگر نکات این دادگاه اعتراض متهمان به نگهداری در سلول هائی است که معترضان سال ۸۸ محبوس بودند که آن را مصداق "شکنجه روانی" می دانستند. متهمانی که از حضار در جلسه می پرسیدند: "چرا با ما همان رفتاری شد که با محاربین فتنه ۸۸ صورت گرفت؟ در سایت کلمه چنین گزارش شده است که:

او که خود را یکی از حامیان رهبری و مطیع امر او می خواند از دادگاه می خواهد که عاملان اصلی و کسانی که راه را برای حمله به سفارت بازکردند را به دادگاه بیاورد. یکی از حمله کنندگان به سفارت عربستان که در حال حاضر طعم تلخ اسارت در زندان های جمهوری اسلامی را مزه می کند، اینچنین بند را آب می دهد:

این فرد که مشارکت فعالی هم در تجمع مقابل عربستان داشته حتی به ورود خود به سفارت هم اذعان دارد و می گوید: "روز تجمع به محض آتشسوزی در سفارت، من رفتم در اولین اتاق و دو تا زونکن از اتاق برداشتم تا به دوستان اطلاعات سپاه بدهم.

بازجوی من می گفت ما با هم در مسجد ارک پای منبر حاج منصور می نشینیم هرچه می گویم بنویس تا کمکت کنم. اظهارات ما در بازپرسی در چنین شرایطی صورت گرفت. ما همدل دولت هستیم و دست از مقام معظم رهبری بر نمی داریم. اکنون به دلیل ناراحتی رهبری پشیمانم و از دادگاه تقاضای حداقل مجازات را دارم.

بازجو گفت هرچه من بنویسم، قاضی هم همان حکم را می دهد

قاضی از متهم پرسید: «چه کسی پرچم سفارت عربستان را پائین آورد؟» متهم گفت: «نمی دانم. برخی مسوولان حاضر در مقابل سفارت عربستان و به طور خاص آقای { ... } زمانی که ما قصد رفتن داشتیم به ما گفت کجا می روید؟ او ما را ترغیب می کرد جلو برویم و لفظ بی غیرت را به کار می برد. من حاضر دم دست روی قرآن بگذارم و بگویم که

اظهاراتم تحت فشار بود. می‌توانستند براحتی موضوع را جمع کنند. اگر پنج‌هزار نفر داعشی هم باشد می‌توانند آن را جمع کنند. دست‌های پشت پرده را شما می‌دانید.

جهان دائماً در تغییر است. معادلات سیاسی اجتماعی ثابت نمی‌مانند. از رفتار امریکای جهانخوار گرفته تا فقیه خونخوار و یکی پس از دیگری و متناسب با منافع درازمدت خود جام زهر می‌نوشند. لباس شخصی هائی که از هیچ جنایتی تا کنون فروگذار نکردند اما به مقتضای منافع حکومتی گاه و بی‌گاه در دام اربابان فقیه خود می‌افتند. از قتل‌های زنجیره‌ئی گرفته تا کهریزک و امروز به جرم فرمانبری از حکومتیان و حمله به سفارت عربستان گیر سلول‌های مخوف و برادران بازجوی! بیرحم خویش افتاده‌اند و فریاد دادخواهی سر می‌دهند. مروری بر چگونگی این دادرسی نکات بیشتری را روشن می‌کند.

به این آدرس مراجعه نمایید

سایت کلمه

[دومین جلسه حمله به سفارت عربستان: اعتراض متهمان به نحوه بازجویی و آدم‌ربانی در خیابان!](#)